

روابط چین و رژیم صهیونیستی در سه دهه اخیر (۱۹۹۰-۲۰۲۰): حوزه‌های هم‌گرایی و واگرایی

لیلا عرشیا^۱

مجید بزرگ‌مهری^۲

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین ایران (arshialeila922@gmail.com)

^۲. نویسنده مسئول، دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (bozorg_majid@yahoo.com)

چکیده

روابط جمهوری خلق چین و رژیم صهیونیستی از آغاز تاکنون با فراز و نشیب‌های متعدد و متنوعی روبرو بوده است. پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که آیا امکان انطباق روند تحولات روابط چین و رژیم صهیونیستی بر مفاد نظریه وابستگی متقابل وجود دارد؟ هدف این تحقیق کمک به شناخت بیشتر مسائل خاورمیانه، آشنایی با روند سیاست خارجی چین و نهایتاً کمک مؤثر به سیاست‌گذاران ایران برای برنامه‌ریزی سیاست خارجی و امنیتی کشور می‌باشد. این پژوهش به دنبال ارزیابی انطباق روند تحولات روابط دو بازیگر مبتنی بر نظریه وابستگی متقابل و روش تحقیق کیفی است و برای پردازش داده‌ها بر اسناد و نظرات دو طرف تکیه شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در ایجاد روابط سیاسی و دیپلماتیک با پکن اهداف متنوعی را دارد که شامل ارتقاء موقعیت و اعتبار بین‌المللی رژیم صهیونیستی، تأثیر گذاشتن بر مواضع و دیدگاه‌های خاورمیانه‌ای چین، حضور در بازار بزرگ نظامی و اقتصادی پرجمعیت‌ترین کشور جهان، فشار در راستای کاهش، و یا توقف همکاری‌های نظامی تهران-پکن و همچنین سوق دادن چین به تلاش برای کاهش همکاری‌های کره شمالی-ایران، ارتقاء جایگاه جامعه یهودیان چینی به‌ویژه در شانگهای، استفاده از اهرم روابط با چین در روابط تل‌آویو - واشنگتن در راستای جذب بیشتر حمایت‌های آمریکا می‌گردد. چین نیز از تعاملات با رژیم صهیونیستی اهدافی را دنبال می‌کند که شامل ارتقاء سیاست خاورمیانه‌ای چین و کمک به حل بحران فلسطین، تلاش در مسیر قطع و یا کاهش روابط سیاسی تایوان-رژیم صهیونیستی، کسب فن‌آوری‌های پیشرفته غربی در صنایع نظامی و کشاورزی از مجرای رژیم صهیونیستی، بهره‌برداری از لابی صهیونیست‌ها در بهبود روابط پکن - واشنگتن، تقویت همکاری‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی و جلوگیری از گسترش ارتباط "دالایی لاما"، رهبر جدایی‌طلبان تبت با رژیم صهیونیستی می‌شود.

● واژگان کلیدی

وابستگی متقابل، سیاست خارجی، چین، رژیم صهیونیستی، خاورمیانه.

مقدمه

روابط دو کشور جمهوری خلق چین و رژیم صهیونیستی از فراز و نشیب‌های متعدد و متنوعی از آغاز تاکنون برخوردار بوده است. چین کمونیست در هنگام اعلام تاسیس دولتی به‌نام رژیم صهیونیستی مخالفتی با آن ابراز نکرد و حتی روابط اولیه چین - رژیم صهیونیستی در سال‌های آغازین دهه ۱۹۵۰ برقرار شد. رژیم صهیونیستی نیز اولین کشور خاورمیانه‌ای بود که چین کمونیست را به رسمیت شناخت. در دوره حاکمیت سایه ایدئولوژی مائوئیسم بر سیاست خارجی چین، پکن رویکرد حمایت از جنبش و حقوق فلسطینی‌ها را مبنای سیاست خارجی خود قرار داده بود. با تغییر رویکرد سیاست خارجی چین از ۱۹۷۹، پکن و تل‌آویو به تدریج سیاست نزدیکی و همکاری را ابتدا در خفاء و سپس از ۱۹۹۲ به صورت رسمی دنبال کردند. این روابط در حوزه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی و نظامی و حتی فرهنگی گسترش داشته است.

پرسش اصلی ما از امکان انطباق روند تحولات روابط چین و رژیم صهیونیستی بر مفاد نظریه وابستگی متقابل است. اولویت چین در برقراری روابط با رژیم صهیونیستی علاوه بر اهداف اقتصادی و بین‌المللی، استفاده از فن‌آوری‌های پیشرفته رژیم صهیونیستی در صنایع مختلف و به ویژه صنایع نظامی است. رژیم صهیونیستی هم با توجه روند تغییرات ژئوپولیتکی در جهان و شرایط خاص خاورمیانه و تهدیدات ایران، و موضوع استفاده از بازار بی‌نهایت چین، گسترش روابط با چین را در اولویت دارد. وابستگی نسبی رژیم صهیونیستی به حمایت و کمک‌های آمریکا و مخالفت واشنگتن با گسترش روابط رژیم صهیونیستی و چین، مانع و نقطه ضعف این روابط و عامل واگرایی آن محسوب می‌شود. هدف این تحقیق کمک به شناخت بیشتر مسائل خاورمیانه، آشنایی با روند سیاست خارجی چین و نهایتاً کمک مؤثر به سیاست‌گذاران ایران برای برنامه‌ریزی سیاست خارجی و امنیتی کشور است. روش تحقیق کیفی و از نوع مقالات توصیفی-تحلیلی است.

ادبیات پیشین

در موضوع بررسی و تحلیل روابط چین و رژیم صهیونیستی، مطالعات مختلفی صورت گرفته است که غالباً به زبان انگلیسی هستند. در این میان با توجه به اهمیت گزینه چین برای ایران، مطالعه روابط این کشور با رژیم صهیونیستی، در مواردی هر چند محدود، به زبان فارسی نیز انجام شده است.

در میان آثار به زبان انگلیسی نوشته‌های "آساف اوریون"^۱ و "گالیا لایو"^۲ (۲۰۱۹)، "ژیائو ژیان"^۳ (۲۰۱۶)، "شیرا افرون"^۴ (۲۰۱۹)، "روی یلینک"^۵ (۲۰۲۲)، "آرون شای"^۶ (۲۰۱۴)، "ووک وکسانوویچ"^۷ (۲۰۲۰) تحلیل‌های کلی از سطح روابط پکن و تل‌آویو ارائه داده‌اند و کانون بحث ایشان نیاز متقابل دو طرف بوده است.

در مقاله آساف اوریون و گالیا لایو موضوع «روابط چین و رژیم صهیونیستی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» به جنبه‌های مختلف روابط دو کشور پرداخته شده و نهایتاً اعلام می‌شود که «رژیم صهیونیستی در رابطه با چین در کنار تلاش برای استفاده حداکثری از توان بالقوه اقتصادی چین، باید جوانب احتیاط به ویژه حساسیت‌های ایالات متحده آمریکا را به‌منظور پرهیز از تنش، مورد توجه قرار دهد (Orion and Galia, 2019).

ژیائو ژیان نیز در مقاله خود به نام «ابتکار کمربند-جاده و روابط چین و رژیم صهیونیستی» موضوع نیازمندی‌های متقابل دو طرف را از زاویه فن‌آوری‌های مختلف به‌ویژه سیستم آبیاری مزارع، تبادلات تجاری و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد. (Xiao, 2016).

شیرا افرون و همکاران در کتابی با موضوع «تکامل روابط چین و اسرائیل» در ۲۰۱۹ موضوع گسترش سریع و گسترده روابط دو کشور را در همه جوانب دیپلماتیک، تجاری، سرمایه‌گذاری، همکاری آموزشی و جهانگردی مورد بحث قرار می‌دهد و به اهداف دو طرف در برقراری این روابط اشاره می‌کند (Efron and others, 2019). در این اثر، تلاش شده است که زمینه‌های مختلف همکاری میان دو طرف به طور جامع بررسی شود اما به علت فقدان تحلیل روابط مذکور در یک چارچوب نظری، ضعف نظری آن مشهود است.

در زمینه روابط چین و رژیم صهیونیستی، مطالعه دیگری توسط روی یلینک با مقاله "راهبرد رسانه‌های چینی نسبت به اسرائیل"^۸ صورت گرفته که به تلاش‌های چین برای نفوذ فرهنگی و بهبود و تقویت وجهه خود در جامعه رژیم صهیونیستی از طریق برنامه فرهنگی، ارتباطات مردمی، وب سایت و تعاملات علمی-آموزشی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «سفارت تلاش غیر مستقیمی برای

1. Assaf Orion

2. Galia Lavi

3. Xiao Xian

4. Shira Efron

5. Roie Yellinek

6. Aron Shai

7. Vuk Vuksanovic

8. China's media strategy towards Israel

نفوذ و اثرگذاری بر شکل‌دهندگان افکار عمومی رژیم صهیونیستی با هدف تغییر نگرش عمومی نسبت به خود، انجام داده است که این کار از طریق تأسیس مؤسسه چینی مترجمان و چین‌شناسان، صورت گرفته است» (Yellinek, 2022).

آرون شای در مقاله خود در ۲۰۱۴ به رویکردهای جدید دولت رژیم صهیونیستی و چین و علل نزدیکی دو طرف می‌پردازد. موضوع استفاده چین از فن‌آوری بالای نظامی رژیم صهیونیستی، از جمله محورهای مقاله او است (Shai, 2014). ووک و کسانوویچ (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان "محور همگرایی؟ رژیم صهیونیستی و چین در یک جهان چند قطبی" ^۱ عمدتاً وجوه مثبت روابط پکن و تل‌آویو را مورد توجه قرار داده است. مؤلف به نحو بسیار مختصر از تاریخچه روابط دو کشور سخن می‌گوید و سپس بر روی موارد هم‌گرایی تأکید می‌کند (Vuksanovic, 2020). "مردچای چایزا" ^۲ در ۲۰۲۲ به اهمیت روابط رژیم صهیونیستی و چین در عصر رقابت راهبردی و هم‌آورد-خواهی قدرت‌های بزرگ پرداخته است. محور مطالعه مؤلف، روابط دو کشور در حوزه فن‌آوری و تجارت و موضوع طرح ابتکاری کمربند-جاده است (Chaziza, 2022). "جاناتان پولاک" ^۳ و "ناتان ساش" ^۴ در ۲۰۱۴ به تحلیلی از روابط چین، رژیم صهیونیستی و آمریکا می‌پردازند و سعی می‌کنند تأثیر مواضع آمریکا را بر روابط پکن-تل‌آویو ارزیابی کنند (Pollack and colleague, 2014).

در میان آثار فارسی نیز دو اثر شبستری بادامچی (۱۳۹۳) و شیخ الاسلامی و همکاران (۱۳۹۸) بدون قراردادن داده‌های خود در قالب یک نظریه روابط بین‌المللی، مستقیماً سراغ عوامل و انگیزه‌های دو طرف در تقویت روابط دوجانبه رفته‌اند. شبستری بادامچی در مقاله "نگاهی به روابط چین و رژیم صهیونیستی به مناسبت دهمین سالگرد برقراری"، مهم‌ترین اهداف رژیم صهیونیستی در برقراری روابط سیاسی با جمهوری خلق چین را ارتقاء موقعیت و پرستیژ بین‌المللی رژیم صهیونیستی، تأثیرگذاری بر مواضع خاورمیانه‌ای چین، حضور در بازار بزرگ نظامی و اقتصادی پرجمعیت‌ترین و بزرگ‌ترین کشور در حال توسعه جهان، اعمال فشار در جهت کاهش و توقف همکاری‌های نظامی چین - ایران، کاهش همکاری‌های کره شمالی-ایران و تقویت موقعیت جامعه یهودیان چین دانسته، و از سوی دیگر اهداف چین در رابطه با رژیم صهیونیستی را شامل: تقویت سیاست خاورمیانه‌ای چین، قطع روابط سیاسی تایوان-رژیم صهیونیستی و تسهیل در کسب فن‌آوری پیشرفته غربی از طریق رژیم صهیونیستی، بر شمرده است (شبستری بادامچی، ۱۳۹۳).

1. Axis of Convenience? Israel and China in a multipolar world

2. Mordechai Chaziza

3. Jonathan Pollack

4. Natan Sachs

در یکی از معدود پژوهش‌های دیگر در زمینه روابط چین و رژیم صهیونیستی، محمد حسن شیخ‌اسلامی و همکاران، مقاله‌ای تحت عنوان "اهمیت و جایگاه فن‌آوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال رژیم صهیونیستی" به چاپ رسانده‌اند که در آن به جوانب اهمیت فن‌آوری رژیم صهیونیستی برای چین پرداخته شده است (شیخ‌اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸). در پژوهش مذکور، غالباً اثر متغیرهای ثالثی مانند نقش آمریکا در روابط چین و رژیم صهیونیستی، مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی جامع ابعاد مختلف روابط چین و رژیم صهیونیستی به مهم‌ترین حوزه‌های تعاملی و بحرانی این روابط، در قالب چارچوب نظری وابستگی متقابل پرداخته است.

چارچوب نظری: نظریه و تعاریف وابستگی متقابل

با توجه به وجود ادبیات متعدد و متنوع در تبیین نظریه وابستگی متقابل درصدد برآمدیم با نگاهی جامع و ارائه موجزی از تعاریف عرضه شده، به بسته جامعی از نظریه مزبور نائل شویم تا امکان ارائه تحلیل بهتری از روابط چین و رژیم صهیونیستی داشته باشیم. نظریه وابستگی متقابل، ریشه در سامانه بزرگتری به نام گفتمان لیبرالیسم در نظریات روابط بین‌الملل و جهان سیاست دارد، لذا بدون توجه به مؤلفه‌های لیبرالیسم، چندان نمی‌توان درک دقیقی از نظریه وابستگی متقابل داشت. نظریه وابستگی متقابل همچنین ریشه در طرز تفکر بین‌الملل‌گرایی دارد و ریشه فکری متأخر این نظریه را می‌توان در مطالعات مربوط به هم‌گرایی منطقه‌ای به‌ویژه مسائل بازار مشترک اروپا و اتحادیه اروپا یافت. این نظریه در زمره نظریاتی قرار می‌گیرد که در راستای پیوند دو سطح تحلیل خرد و کلان طرح شده‌اند. مفاهیم بنیادین وابستگی متقابل را می‌توان شامل وابستگی متقابل، حساسیت، آسیب‌پذیری، هزینه، تقارن و عدم تقارن دانست.

از اواخر دهه ۱۹۶۰ و طی دهه ۱۹۷۰ تغییراتی در ویژگی‌های اصلی نظام بین‌المللی هویدا گشت که شاخصه آن عبارت از پیچیدگی و تعدد روابط و اشکال آن در قالب همکاری بود. در این دوره، اتحادهای ناشی از شرایط جنگ سرد به دنبال تنش‌زادایی کم‌رنگ شد و مسائل جدیدی عمدتاً با ماهیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت خود را آشکار ساخت. از این‌رو "ادوارد ال مورس"^۱ در باب وابستگی متقابل، "رابرت کوهن"^۲ و "جوزف نای"^۳ در کنار یکدیگر و در چندین اثر و "ریچارد ان کوپر"^۴ در مقالات و آثارش در باب وابستگی متقابل اقتصادی قلم‌فرسایی کردند.

1. Edward L Morse

2. Robert Keohane

3. Joseph Nye

4. Richard N Cooper

آن‌ها کوشیدند دو موضوع آسیب‌پذیری دولت‌ها و جوامع را در برابر حوادث و جریان‌های که در قلمرو سایر کشورها رخ می‌دهد و تأثیر آن بر روابط بین‌الملل را نشان دهند.

نای و کوهن در کتاب "قدرت و وابستگی متقابل: سیاست جهانی در گذار"^۱ در ۱۹۷۷ شاخص‌ترین اثر را در مطالعات روابط بین‌الملل در حوزه وابستگی متقابل عرضه داشتند. در واقع با پایان جنگ سرد، نظام بین‌المللی به عرصه جدید روابط چند بعدی وارد شد که با اصطلاح خلق شده توسط دو اندیشمند مزبور "وابستگی متقابل پیچیده"^۲ هم‌خوانی زیادی یافت (Keohane and Nye, 1977). طرح چارچوب نظری مذکور در واقع تلاشی از سوی آن‌ها برای نقد واقع‌گرایی با رویکردی نئولیبرالیستی بود (سیفی و محمدی نیا، ۱۴۰۱: ۲۱۸).

از منظر کوهن و نای در نوشته‌های اولیه، در سیستم وابستگی متقابل، قدرت به‌عنوان عامل تأثیرگذار در چانه‌زنی‌های سیاسی باقی می‌ماند. در واقع کوهن و نای مفهوم قدرت را از وبر وام گرفته‌اند. به باور وبر، قدرت احتمال موفقیت یک کنشگر اجتماعی در پیشبرد مقاصد خود، وابسته به ابزارهای است که برای تحقق اهداف خود به کار می‌گیرد. لذا وابستگی متقابل به معنی اتحاد تمام عیار و نادیده انگاشتن منافع خود به نفع طرف مقابل نیست بلکه تحقق خودکار و یا برنامه‌ریزی شده روابطی است که شرایط همکاری در آن برای طرفین سودآور و کاهش آن زیان‌آور باشد (Keohane and Nye, 1977).

ریچارد روزکرانس و دیگران نیز در تعریف وابستگی متقابل در جایی آن‌را نوعی پیوند می‌دانند: «...وابستگی متقابل را می‌توان به عنوان پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت‌ها تعریف کرد که تغییر در موقعیت یک دولت، جایگاه سایرین را در همان جهت تغییر می‌دهد». ایشان در جایی دیگر می‌گویند: «وابستگی متقابل به مفهوم نظامی است که در آن دولت‌ها معمولاً در نردبان موقعیت بین‌المللی و توازن اقتصادی، قدرت، رفاه، دسترسی به اطلاعات و یا فن‌آوری با هم بالا و پائین می‌روند. وابستگی متقابل در ساده‌ترین مفهوم، وابستگی دو جانبه است. ریچارد کوپر بر بعد اقتصادی تأکید می‌کند و آن را حساسیت تعاملات اقتصادی میان دو یا چند دولت به تحولات اقتصادی درون آن دولت‌ها می‌داند» (Cooper, 1972: 159).

در خصوص نظریه وابستگی متقابل توافق جامعی در ارائه تعریف واحد از آن وجود ندارد و حداقل تا امروز سه تعریف از آن ارائه شده است (وحیدی راد، ۱۳۹۲: ۳). در یکی از کلی‌ترین تعاریف، وابستگی متقابل حاکی از چنان اشتراک منافی است که اگر جایگاه یک ملت تغییر یابد، این تغییر،

1. Power and Interdependence: World Politics in Transition

2. Complex Interdependence

جایگاه دیگر ملت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. کوهن و نای نیز در همین مفهوم، تعریف خود را ارائه کرده‌اند: «وابستگی متقابل اصطلاح گسترده‌ای است و اشاره به موقعیتی دارد که مشخصه اصلی آن تأثیر متقابل میان کشورها است» (Keohane and Nye, 1987: 733).

در تعریف دوم که بیشتر خمیر مایع اقتصادی دارد، «وابستگی متقابل زمانی به وجود می‌آید که نوعی "حساسیت" ^۱ ملی فزاینده نسبت به پیشرفت‌های اقتصاد بیرونی ایجاد شود. احتمالاً این "حساسیت" می‌تواند آگاهانه یا حتی ناآگاهانه باشد (Tollison and Willett, 1973). ریچارد کوپر در همراهی با این تعریف می‌گوید وابستگی متقابل بر پیشرفت‌های فن‌آورانه در زمینه سیستم‌های حمل‌ونقل و ارتباطات انکاء دارد به نحوی که سرعت و اطمینان جابجایی کالا، سرمایه، افراد، اطلاعات و ایده‌ها را در طول مرزهای ملی افزایش می‌دهد. وی در همین راستا، درجه وابستگی متقابل را نه با ارزش تجاری بلکه با میزان حساسیت اقتصادی متقابل می‌سنجد (Cooper, 1972: 159). تعریف سوم که رویکردی سنتی و واقع‌گرایانه نیز دارد، از سوی کنت والتز بیان شده است. وی معتقد است وابستگی متقابل شامل رابطه‌ی می‌گردد که گسست آن هزینه زیادی را (برای طرفین) به دنبال دارد (Waltz, 1970: 89).

یک موضوع تعریف اخیر را از تعاریف قبلی متمایز می‌سازد و آن مفروض دانستن تناسبی مثبت (افزایش و یا کاهش عناصر متغیر نخست با افزایش و یا کاهش عناصر متغیر دوم و بالعکس) میان واحدها است به نحوی که در صورت آسیب دیدن روابط، همه بازیگران آسیب خواهند دید. به عبارت دیگر تغییر منفی در شرایط یکی از طرفین باعث ایجاد هزینه برای طرف مقابل می‌گردد.

وضعیت تقارن و عدم تقارن در نظریه وابستگی متقابل اشاره به درجه وابستگی دو طرف به یکدیگر دارد. وابستگی متقابل نامتقارن ^۲ حاکی از شرایطی است که در آن یک طرف کاملاً وابسته به دیگری است که کوهن و نای رابطه شمال و جنوب در نظام بین‌المللی را در این سطح قرار می‌دهند، در حالی که در رابطه متقارن هر دو طرف از شرایط وابستگی یکسانی برخوردارند. از منظر کوهن و نای وقتی دو طرف در موضوع میزان وابستگی در شرایط کم و بیش برابر قرار نداشته باشند، طبیعتاً وابستگی یک طرف به طرف دیگر بیشتر خواهد بود که این امر وابستگی نامتقارن را دامن می‌زند (Keohane & Nye, 1987: 736). در این راستا، گاهی یکی از طرفین می‌کوشد با ایجاد مزیت نسبی در حوزه‌ای دیگر مانند فن‌آوری نظامی، و یا دانش کشاورزی و علوم تغذیه و یا نفوذ دیپلماسی، نیازمندی طرف مقابل به خویش را برجسته سازد و وابستگی از حالت نامتقارن به متقارن نسبی

1. Sensitivity

2. Asymmetrical interdependence

هدایت شود. به طور مثال طرفندهای که رژیم صهیونیستی برای تداوم روابط خود با چین اتخاذ می‌کند در همین راستا ارزیابی می‌شود.

گسترش کانال‌های ارتباطی میان‌ملتی کمک موثری به تقویت وضعیت وابستگی متقابل می‌کند. گسترش صنعت جهانگردی، برقراری روابط دانشگاهی و تاکید بر تقویت روابط فرهنگی در سطوح متنوع اجتماعی عامل مهمی در این امر محسوب می‌شود.

از ویژگی‌های مهم نظریه دیگر وابستگی متقابل، ادغام دو رویکرد متعارض یعنی سیاست قدرت با تعصب واقع‌گرایانه و لیبرالیسم اقتصادی با خوش‌بینی آرمان‌گرایی البته بر مبنای منطق هزینه-فایده است. در این نظریه، قدرت نظامی از فضای مطالعاتی روابط بین‌الملل حذف نمی‌شود ولی اولویت اصلی تعاملات اقتصادی سودآور برای طرفین است (سیفی و محمدی نیا، ۱۴۰۱: ۲۱۹). بر اساس تعریف "مارک ای جنست"^۱ وابستگی متقابل پیچیده نوعی «مفهوم فراملی‌گرایی اقتصادی است که در آن دولت‌ها تنها بازیگران نیستند و مسائل رفاه اجتماعی به موازات مسائل امنیتی در کانون دستور کار جامعه جهانی قرار دارد و همکاری همانند منازعات به عنوان ویژگی برجسته سیاست‌های جهانی تلقی می‌شود» (Genest, 2004: 140). نظریه مزبور درصدد تبیین این درک است که در عصر امروز سیاست دولت‌ها و دایره قدرت مالی و ثروت‌ها (بخش خصوصی) به هم گره خورده و سیاست دولت‌ها نمی‌تواند مؤلفه منافع متقابل اقتصادی را در روابط حتی امنیتی نادیده بگیرد. نای و کوهن معتقدند که رشد گسترده تعاملات اقتصادی، وابستگی متقابل را شدت می‌بخشد و لذا مزرهای ملی به تدریج کم‌رنگ می‌شوند (سیفی و محمدی نیا، ۱۴۰۱: ۲۰۸). در این چارچوب، کشوری که الگوی محوری خود را توسعه اقتصادی گذاشته است، طبیعتاً بیش از سایر کنشگران بین‌المللی در عرصه وابستگی متقابل درگیر می‌شود.

در مجموع، می‌توان ادعان داشت که نظریه وابستگی متقابل ناظر بر بایسته‌های ایجاد بستر برای پویای هم‌گرایی بین‌المللی است. از این‌رو، در چارچوب نگرش و عملکرد تعاملی است که می‌توان به داشته‌ها و تجربه‌های دیگر کشورها دست یافت (وحیدی راد، ۱۳۹۲: ۱۰۳). در واقع، کشورهای که از روابط و مناسبات گسترده بین‌المللی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، علمی و ... برخوردارند، در عرصه رقابت جهانی و کسب موفقیت‌های متنوع عصر امروز، گوی سبقت را از دیگران می‌ریابند.

برای نمونه، می‌توان به جمهوری خلق چین اشاره کرد. پذیرش واقعیت‌های اقتصاد داخلی و قواعد بین‌المللی از سوی پکن سبب شده تا این کشور از ابتدای دهه ۷۰ میلادی درهای خود

^۱. Marc.A Genest

را به روی جهان بگشاید. نتیجه این تصمیم وضعیت کنونی چین است که با تکیه بر رشد چشم‌گیر و کم‌نظیر سال‌های اخیر مسیر دستیابی به ابرقدرتی اقتصاد جهانی را می‌پیماید. به باور بسیاری از ناظران، گریزناپذیر بودن رقابت و بهره‌مندی از فن‌آوری‌های نوین فرامرزی سبب شد که اژدهای زرد از زیر آوار خمودگی پارادیم‌های سنتی و ایدئولوژیک و رکود، خود را رها ساخته و مرزهای ملی و بین‌المللی را یک به یک درنوردد. رژیم صهیونیستی نیز به این حقیقت واقف شده است که بقای خود را در ایجاد فضاهای وابستگی متقابل با قدرت‌های بزرگ، متوسط و کوچک جهانی دنبال کند. در کنار حوزه تعاملات اقتصادی و تجاری، پکن و تل‌آویو در سایر حوزه‌ها نیز مسیر وابستگی متقابل را طی می‌کنند. لذا با تکیه بر نظریه وابستگی متقابل تا حدودی می‌توان تحلیل جامعی از وضعیت روابط رژیم صهیونیستی و چین ارائه داد.

گردآوری و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل روابط دو کشور، مطالعه را در دو سطح روابط سیاسی و اقتصادی دنبال می‌کنیم.

الف - روابط سیاسی چین و رژیم صهیونیستی

دو کشور چین و رژیم صهیونیستی نقاط متفاوت متعددی را از نظر ساختاری نسبت به یکدیگر دارند. جمعیت چین بالای یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر و جمعیت رژیم صهیونیستی هشت میلیون و چهارصد هزار نفر است. وسعت جغرافیایی رژیم صهیونیستی در مقایسه با سرزمین وسیع چین به‌گونه‌ای است که مساحت رژیم صهیونیستی می‌تواند ۴۳۴ بار در خاک چین جای گیرد (Efron and others, 2019:1). این دو کشور را نمی‌توان به‌واسطه تفاوت‌های اساسی از نظر ساختار داخلی، قدمت تاریخی، جایگاه بین‌المللی، جمعیت و گستره جغرافیایی، دو بازیگر همگن محسوب داشت و یا در ترازوی مشابه قرار داد، لذا همکاری و گسترش روابط آن‌ها بر پایه انتخاب آگاهانه و هدفمند هر دو بازیگر به منظور تأمین منافع متقابل، شکل گرفته است.

روابط غیررسمی رژیم صهیونیستی و چین در سال ۱۹۷۹ زمانی که تاجر "سائول آیزنبرگ"^۱ ترتیب یک ملاقات محرمانه بین مقامات دو کشور را داد، آغاز شد^۲ (Efron and others, 2019: vii).

^۱. Saul Eisenberg

^۲. در این سال هیأت نمایندگی رژیم صهیونیستی با استفاده از هواپیمای جت خصوصی آیزنبرگ شامل مقامات رسمی صنایع دفاعی مانند "گالبریل جیدور" و مدیر اجرایی صنایع هوا فضای و چند مقام بلند پایه وزارت خارجه و دفاع تل‌آویو به چین سفر کردند و سنگ بنای نخستین تعاملات دو طرفه گذاشته شد (Efron and others, 2019:16).

جمهوری خلق چین نزدیک به چهار دهه از مواضع کشورهای عربی در قبال رژیم صهیونیستی حمایت سیاسی می‌کرد، ولی از دهه ۱۹۸۰ و به دنبال اتخاذ سیاست درب‌های باز و اصلاحات اقتصادی در چین و تاکید بر اولویت توسعه اقتصادی در سیاست خارجی، موضع چین در قبال منازعات اعراب و رژیم صهیونیستی به سوی حفظ و تقویت روابط با هر دو طرف عربی و رژیم صهیونیستی پیش رفت (شبستری بادامچی، ۱۳۹۳). به دنبال توافقات مادرید و اسلو و مذاکرات عرفات با مقامات رژیم صهیونیستی با میانجی‌گری آمریکا، زمینه برای برقراری روابط علنی و سیاسی میان تل‌آویو و پکن مهیا گردید و نهایتاً روابط رسمی میان دو کشور از ژانویه ۱۹۹۲ برقرار شد، لیکن نقطه عطف و بسط روابط از دیدار تاریخی، ژیانگ زمینگ^۱، رئیس جمهوری وقت چین از رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰، بود (Jewish Virtual library, 2021).

البته مذاکرات مقدماتی برای برقراری مجدد روابط از اوایل دهه هشتاد آغاز شده بود. در سال ۱۹۷۹، چین به علت اختلافات تاریخی و مرزی، با ویتنام وارد جنگ شد، ولی جنگ با ویتنام به علت کمک‌های تسلیحاتی شوروی به ویتنام برای پکن بسیار سنگین بود (Gill and Kim, 1995). در شرایطی که چین حتی در شرف شکست احتمالی بود، رژیم صهیونیستی با فرصت طلبی تمام وارد معرکه شد^۲. رژیم صهیونیستی در جریان جنگ با اعراب به سلاح‌های ساخت شوروی دست یافته و آشنایی زیادی نسبت به آن‌ها داشت و در نتیجه با ارائه مشاوره‌های نظامی، کمک مؤثری به پکن در حملات نظامی علیه ویتنام کرد (شریعت‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۱).

در ۱۹۸۰، دوره مائوزدایی در سیاست خارجی چین، روابط رژیم صهیونیستی و حزب کمونیست چین بازسازی شد. از اواسط دهه ۱۹۸۰، پکن و تل‌آویو ارتباطات و مراودات غیر رسمی زیادی در زمینه‌های اقتصادی و فن‌آوری داشته‌اند. از سال ۱۹۸۲، چین به نخبگان رژیم صهیونیستی اجازه داد

^۱ Jiang Zemin

^۲ جنگ مرزی میان چین و ویتنام در ۱۹۷۹، تأثیر محسوسی در از سرگیری روابط دو طرف داشت. در شرایط مزبور، قوای چین در نبرد با قوای ویتنام در شرایط سختی بسر می‌برد، لذا به دنبال حمایت‌های نظامی و فن‌آورانه‌ای بود که در مقابله با تسلیحات ساخت شوروی توانا باشد. رژیم صهیونیستی از جمله معدود کشورهای بود که امکان تامین نیازهای مبرم جمهوری خلق چین را داشت. قوای رژیم صهیونیستی که در جنگ‌های خاورمیانه با اعراب در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ به تسلیحات ارتش سرخ دست یافته بودند، قادر شده بود تسلیحات قدیمی آنان را ارتقاء بخشد. در این زمان، شول ان. آیزنبرگ (Shoul N. Eisenberg) تاجر بین‌المللی یهودی، و واسطه‌گر صنایع نظامی چین و رژیم صهیونیستی، نقش مهمی در برقراری روابط داشت. در این برهه از همکاری‌های نظامی، اسرائیل، ارتش آزادی بخش خلق چین را به مدل ارتقا یافته تانک T59 که سابقاً توسط شوروی طراحی شده بود مجهز کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۰). این همکاری‌ها بود که به روابط پکن با تل‌آویو رونق بخشید (Shai, 2014).

تا به طور اختصاصی از برخی از مراکز صنعتی خود بازدید داشته باشند. در ژوئن ۱۹۸۵، گروهی از تاجران رژیم صهیونیستی از چین دیدار داشته و هم‌زمان یک گروه کشاورزی نیز به رژیم صهیونیستی سفر کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۰).

پس از سال ۱۹۸۷، مقامات رژیم صهیونیستی و چین ملاقات‌های بسیاری در پاریس، نیویورک و دیگر نقاط انجام دادند. در اوایل سال ۱۹۹۰، سرویس مسافرت مّلی چین دفتری را در تل‌آویو و متعاقب آن، تل‌آویو آکادمی علوم انسانی رژیم صهیونیستی را در پکن تاسیس کرد. از آن جایی که هر دوی این مؤسسات از وضعیت دیپلماتیک برخوردار بودند، دو طرف روابط کنسولی غیر رسمی برقرار کردند (Xiao, 2016).

پس از نشست صلح خاورمیانه در مادرید (۱۹۹۱)، برقراری روابط دیپلماتیک دو طرفه امکان‌پذیر شد. در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۱، دیوید لوی^۱، قائم مقام نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، بیانیه برقراری روابط دیپلماتیک با نخست‌وزیر وقت چین "شیان شیچن"^۲ را در پکن امضاء و برقراری روابط دیپلماتیک در سطح سفارت را میان چین و رژیم صهیونیستی اعلام کرد (Goldstein, 2004).

در صحنه سیاسی، سران دو کشور دیدارهای متعددی را با یکدیگر داشته‌اند. رهبران رژیم صهیونیستی شامل هرزگ (۱۹۹۴)، ویزمن (۱۹۹۹)، کاتساو (۲۰۰۳) پرز (۲۰۰۸ و ۲۰۱۴) و نخست وزیر اسحاق رابین، (۱۹۹۵) نتانیا هو (۱۹۹۸ و ۲۰۱۳)، المرت، (۲۰۰۷) به چین سفر کردند (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۱). لی پنگ ریاست پیشین کنگره مردمی ملی چین و هم‌چنین رئیس جمهور جیانگ زمین در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به‌طور متقابل به رژیم صهیونیستی سفر داشتند.

مهم‌ترین انگیزه‌های پکن در تقویت روابط با تل‌آویو عبارت است از:

۱. ارتقاء سیاست خاورمیانه‌ای چین و کمک به حل بحران فلسطین؛

توضیح این‌که با توجه به اصول سیاست خارجی چین مبنی بر عدم درگیری در بحران‌های خارج از پاسیفیک، و جو حاکم بر روابط پکن با دولت خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی؛ سیاست پکن از یک‌سو در پی عدم دخالت جدی و مؤثر و از سوی دیگر ایفای نقش میانجی‌گرایانه در تحولات صلح خاورمیانه است، هرچند که پکن به درخواست یاسر عرفات مبنی بر معرفی نماینده ویژه چین در امور صلح خاورمیانه واقعی ننهاد. موضع اصولی چین در قبال مذاکرات صلح بر اجرای توافقات مادرید و رعایت اصل زمین در مقابل صلح و اجرای قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸ سازمان ملل استوار است و خواستار تشکیل دو دولت مستقل فلسطین و رژیم صهیونیستی است.

1. David Levy

2. Qian Qichen

۲. تلاش در مسیر قطع و یا کاهش روابط سیاسی تایوان-رژیم صهیونیستی؛
 ۳. کسب فن‌آوری‌های پیشرفته غربی از مجرای رژیم صهیونیستی؛
 ۴. بهره‌برداری از لابی صهیونیست‌ها در بهبود روابط پکن-واشنگتن؛
- شایان ذکر است که از منظر چین، رژیم صهیونیستی می‌تواند نقش تسهیل‌کننده در بهبود روابط پکن با واشنگتن داشته باشد بطوری که "ماتان ویلنای"^۱ سفیر سابق رژیم صهیونیستی در چین اذعان داشت: "اهمیت ما برای چین به این دلیل است که آن‌ها (چینی‌ها) ما را به منزله پلی به ایالات متحده آمریکا می‌بینند، چینی‌ها مطمئن شده‌اند که ما می‌توانیم روی مسائلی که در آمریکا به سود منافع چین هستند، تأثیرگذار باشیم" (Jewish Virtual Library, 2021).
۵. تقویت همکاری‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی؛
 ۶. جلوگیری از گسترش ارتباط "دالایی لاما"^۲، رهبر جدایی‌طلبان تبت با رژیم صهیونیستی.
- توضیح این که ملاقات رئیس پارلمان رژیم صهیونیستی با دالایی لاما در تل‌آویو و یک روز پس از ملاقات با لی‌پنگ، از بارزترین موارد دخالت رژیم صهیونیستی در امور داخلی چین، بوده است.
- در زمان نخست‌وزیری نتانیاهو، روابط سیاسی با چین به بالاترین سطح خویش ارتقاء یافت که انجام سفرهای متقابل ۸ نفر از مقامات عالی رتبه طرفین در طی سه سال (۲۰۰۰-۱۹۹۸) مؤید آن است. نتانیاهو به هنگام دیدار از چین اظهار داشت: «چین و آسیا کانون جدید توجهات سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی خواهد بود و ما تلاش خویش را برای حضور بیشتر در کشورهای آسیایی به عمل خواهیم آورد، زیرا جهان به سوی چندقطبی شدن پیش می‌رود».
- اهداف رژیم صهیونیستی در ایجاد روابط سیاسی و دیپلماتیک با پکن شامل موارد زیر است:
۱. ارتقاء موقعیت و اعتبار بین‌المللی رژیم صهیونیستی؛
 ۲. تأثیر گذاشتن بر مواضع و دیدگاه‌های خاورمیانه‌ای چین؛
 ۳. حضور در بازار بزرگ نظامی و اقتصادی پرجمعیت‌ترین کشور جهان؛
 ۴. فشار در راستای کاهش و یا توقف همکاری‌های نظامی تهران-پکن و همچنین سوق دادن چین به تلاش برای کاهش همکاری‌های کره شمالی-ایران؛
- توضیح این‌که مقامات رژیم صهیونیستی همواره بر عدم همکاری چین در انتقال فن‌آوری موشکی دوبرد، ساخت گازهای شیمیایی و توسعه صنایع هسته‌ای با ایران تأکید داشته‌اند.
۵. ارتقاء جایگاه جامعه یهودیان چینی به ویژه در شانگهای؛

۱. מתן וילנאי

۲. Dalai Lama

۶. استفاده از اهرم گسترش و یا کاهش روابط با چین در روابط تل‌آویو-واشنگتن در راستای جذب بیشتر حمایت‌های آمریکا.

بر پایه نظرات "شیرا افرون" محقق مسائل روابط چین و رژیم صهیونیستی نگرش پکن به تل‌آویو شامل موارد ذیل است:

۱. کمک رژیم صهیونیستی به چین برای کسب تجربه در سیاست‌های ابتکاری و نوآورانه و توسعه؛
۲. تلاش چین برای بهره‌گرفتن از تجربیات و فن‌آوری رژیم صهیونیستی در حوزه مسائل امنیتی، دفاعی و مدرن سازی نظامی و برنامه‌های سایبری؛
۳. استفاده از ظرفیت رژیم صهیونیستی برای ایفای نقش و ایجاد موازنه در خاورمیانه در راستای منافع چین؛

۴. چین رژیم صهیونیستی را به‌عنوان بخشی از طرح "ابتکار کمربند و جاده" می‌بیند (Efron and others, 2019:25).

در حوزه‌های دیگری نیز چین می‌تواند از تجربیات رژیم صهیونیستی استفاده کند از جمله:
- برخورداری رژیم صهیونیستی از سطح فن‌آوری نوآورانه بالا؛ - مبارزه با گروه‌های شورشی. از منظر نویسندگان چینی.

شایان ذکر است که رژیم صهیونیستی دارای تجربیات زیاد و موفق در بحث مبارزه با تروریسم و جنگ‌های چریکی است. مبارزه مستمر رژیم صهیونیستی از ۱۹۴۸ با کشورهای عربی، جنبش آزادیبخش فلسطین و امروزه حماس و حزب‌الله، تجربیات زیادی را برای دولت رژیم صهیونیستی رقم زده است. بر اساس گزارش‌های چینی، مقامات انتظامی چین در جریان مقابله با شورش‌های استان غربی سین کیانگ^۱ محل زندگی اویغورها^۲، قوم ترک و مسلمان و در سایر مناطق اقلیت‌ها در داخل چین از روش‌های نیروهای رژیم صهیونیستی بهره‌فراوان برده‌اند. بنا به روایت "افرون"، دست‌نوشته‌ها و اسنادی زیادی وجود دارد که از سوی افسران چینی تدوین شده و در آن‌ها بر ضرورت استفاده از تجربیات نیروهای رژیم صهیونیستی در مقابله با فعالیت‌های تروریستی در چین به ویژه منطقه غربی استان سین کیانگ و "جنبش اسلامی ترکستان شرقی"^۳ تاکید شده است. از سوی دیگر، استراتژیست‌های چینی اعتقاد دارند رژیم صهیونیستی نقش مهمی را در معادلات خاورمیانه ایفاء می‌کند (Efron and others, 2019:31-32).

1. Xinjiang

2. Uyghurs

3. Eastern Turkistan Islamic Movement

مصادیق تقویت روابط سیاسی، سفرهای متعدد مقامات دو طرف به کشورهای متقابل بوده است.^۱ در دهه نود، وزیر خارجه چین در سال ۱۹۹۷، لی پنگ رئیس‌کنگره خلق چین در سال ۱۹۹۹ و جیانگ‌زمین رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۰۰ از تل‌آویو دیدار رسمی داشتند. همچنین دیدارهای متقابل روسای شورای روابط چین-رژیم صهیونیستی (ریاست طرف رژیم صهیونیستی با توجه به اهمیت جایگاه چین در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، با شیمون پرز نخست‌وزیر و وزیر خارجه اسبق رژیم صهیونیستی بود) و هیأت‌های مجالس دو کشور از دیگر موارد است (شبستری بادامچی، ۱۳۹۳).

بر اساس نظر "ووکسانویچ" همکاری روزافزون رژیم صهیونیستی با چین حاکی از روند شکل‌گیری ژئوپلیتیک جدیدی در جهان است (Vuksanovic, 2020: 11). رژیم صهیونیستی به توان و نقش فزاینده چین در تحولات آتی جهانی و منطقه خاورمیانه واقف است.

سایت وزارت خارجه چین در صفحه رسمی خود از تداوم گسترش روابط دو کشور در حوزه‌های مختلف اطلاع‌رسانی کرده است (Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China, 2014).

ب- روابط اقتصادی و تجاری چین و رژیم صهیونیستی

با تغییر سیاست کلان چین از ۱۹۷۹ و توجه ویژه به ضرورت توسعه اقتصادی، آرمان‌های ایدئولوژیک از سرفصل سیاست خارجی چین خارج شد و منافع پکن در مسیر برقراری روابط اقتصادی سودآور و انتقال فن‌آوری‌های نوین در اولویت قرار گرفت. در این راستا تل‌آویو به علت برخورداری از دانش و فن‌آوری‌های نوین، به یکی از گزینه‌های مناسب برای گسترش تعاملات تجاری پکن، تبدیل شد. چین امروزه، سومین شریک تجاری رژیم صهیونیستی و اولین آن در شرق آسیا است.

حجم مبادلات تجاری میان آن‌ها از ۵۰ میلیون دلار در ۱۹۹۲ به ۱۳.۱ میلیارد دلار در ۲۰۱۷ رسیده است. چین در سال ۲۰۲۰ به بزرگترین منبع واردات کالا به رژیم صهیونیستی به ارزش ۹.۴۴ میلیارد دلار، تبدیل شد (Jewish Virtual Library, 2021). به‌رغم وجود بحران شدید مالی و اقتصادی در شرق آسیا در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ و تأثیر بر حجم روابط تجاری و رشد اقتصادی

^۱. بازدید آریون شارون وزیر وقت زیربنای ملی اسرائیل از چین در سال ۱۹۹۸، سفر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۸، سفر عزر وایزمن رئیس‌جمهور سابق اسرائیل در سال ۱۹۹۹، سفر وزیر صنایع و تجارت اسرائیل در سال ۲۰۰۰ و در نهایت سفر وزیر خارجه اسرائیل در سال ۲۰۰۲ مهمترین سفرهای مقامات عالی‌رتبه سیاسی رژیم صهیونیستی به چین بوده است.

کشورهای منطقه، رشد حجم روابط تجاری چین با رژیم صهیونیستی در سال‌های مزبور از روند مثبتی برخوردار بود. رژیم صهیونیستی در روابط اقتصادی با چین با محدودیت‌های موردی اتحادیه اروپا روبرو نیست. اتحادیه اروپا در موضوع حقوق فلسطینی‌ها در مواردی متوسل به سیاست‌های محدود سازی مانند بایکوت، عدم سرمایه گذاری و تحریم می‌شود ولی رژیم صهیونیستی در روابط تجاری خود با چین با این نوع موانع و محدودیت‌ها روبرو نیست (Efron and others, 2019:2).

در سال ۱۹۹۸ حجم روابط تجاری طرفین با ۹/۴۶ درصد رشد نسبت به سال ۱۹۹۷، به ۵۴۰ میلیون دلار بالغ گردید که در این میان صادرات رژیم صهیونیستی به چین با ۸۰ درصد رشد به ۱۹۰ میلیون دلار رسید. در سال ۱۹۹۹ نیز حجم روابط به ۸۳۱/۶۸۱ میلیون دلار (۵۸/۴۹۰ صادرات چین و ۲۵/۲۹۱ واردات چین) بالغ گردید و در سال ۲۰۰۰ نیز این میزان با ۵۵ درصد رشد نسبت به سال قبل ۱/۵۴ میلیارد دلار (۸۴/۷۱۸ میلیون دلار صادرات چین و ۳۵/۳۳۵ میلیون واردات چین) رسید و رژیم صهیونیستی به جایگاه هفدهمین شریک تجاری چین در آسیا ارتقاء یافت. در همین حال در ۱۱ ماه سال ۲۰۰۲ نیز حجم روابط تجاری طرفین با ۲۸ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۲۳/۱ میلیارد دلار بالغ گردید.

تا پایان سال ۱۹۹۸ رژیم صهیونیستی با تأسیس ۱۵ شرکت و نمایندگی تجاری در چین، آمادگی خویش را با اجرای ۶۴ پروژه مشترک در چین و در بخش‌های مختلف (عمدتاً کشاورزی و مخابراتی) با سرمایه‌گذاری رژیم صهیونیستی به ارزش ۹۲ میلیون دلار اعلام داشت که از این تعداد، ۳۵ پروژه به مرحله اجراء رسید. در همین مدت طرف چینی نیز آمادگی خویش را جهت سرمایه‌گذاری در ۴۱۵ پروژه اقتصادی رژیم صهیونیستی به ارزش ۳۳۴ میلیون اعلام داشت. تا ۱۹۹۹، پنج هزار کارگر چینی در رژیم صهیونیستی اشتغال داشتند. در همین حال دانشجویان چینی در مرکز آموزش کشاورزی چین که در سال ۱۹۹۳ و با همکاری رژیم صهیونیستی تأسیس گردیده است، با آموزش توسط متخصصان رژیم صهیونیستی، مشغول تحصیل بوده‌اند. دو شرکت رژیم صهیونیستی نیز در ۱۹۹۸، با امضای دو قرارداد جداگانه به ارزش ۴۵۰ میلیون دلار و ۴۰ میلیون دلار با طرف چینی در زمینه پروژه‌های کشاورزی، تحرک جدیدی به روابط تجاری طرفین بخشیدند (شبستری بادامچی، ۱۳۹۳).

در زمان سفر رئیس‌جمهور وقت رژیم صهیونیستی به چین در ۱۹۹۹، تعداد ۹ قرارداد اقتصادی در بخش‌های کشاورزی، تولید محصولات شیمیایی، تولید تجهیزات پزشکی، مخابرات، ارتباطات، حفظ منابع آبی و حفاظت از محیط زیست انعقاد یافت. در سفر رئیس‌جمهور چین به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ نیز دو قرارداد همکاری‌های تجاری-اقتصادی و همچنین تبادلات آموزشی منعقد شد.

شایان ذکر است که در سال ۱۹۹۶، حدود ۵/۶۱ درصد کل صادرات رژیم صهیونیستی به چین به محصولات پیشرفته مخابراتی و حدود ۵/۸ به کالاهای پزشکی اختصاص داشته است. از دید رژیم صهیونیستی، آینده همکاری‌های اقتصادی پکن-تل‌آویو، عمدتاً در حوزه کشاورزی خواهد بود. هشتاد درصد جمعیت چین در بخش کشاورزی فعالیت دارند و مقامات چینی برای تأمین غذای مورد نیاز جمعیت چین باید تلاش گسترده‌ای را به منظور مدرنیزه کردن بخش کشاورزی به انجام رسانند. رژیم صهیونیستی با تأسیس مزرعه‌های نمونه کشاورزی و همکاری در زمینه تولید بیشتر محصولات کشاورزی و کود شیمیایی توانسته است زمینه حضور گسترده خود را در بخش کشاورزی و نیمه صنعتی چین از جمله منطقه کشاورزی و سکنه مسلمان سین‌کیانگ تقویت بخشد. کارشناسان رژیم صهیونیستی با حضور در روستاهای فقیرنشین چینی، در آموزش کشاورزان چینی به منظور افزایش و بهینه‌سازی محصولات زراعی کمک می‌کنند.

جدول شماره ۱۰: حجم روابط تجاری چین (سرزمین اصلی) - رژیم صهیونیستی (میلیون دلار) (۱۹۹۰-۲۰۰۲)

سال	صادرات چین	واردات چین	مجموع	افزایش
۱۹۹۰	۲/۰	۸/۷	۸	۸/۷+
۱۹۹۱	-	۸/۲۲	۸/۲۲	۸/۱۴
۱۹۹۲	۵	۴/۵۴	۴/۵۹	۶/۳۶
۱۹۹۳	۷/۳۲	۷/۵۴	۴/۸۷	۲۸
۱۹۹۴	۲/۸۰	۵/۵۹	۷/۱۳۹	۳/۵۲
۱۹۹۵	۱۳۴	۳/۸۱	۳/۲۱۵	۴/۷۵
۱۹۹۶	۸/۱۶۶	۹/۸۲	۷/۲۴۹	۴/۳۴
۱۹۹۷	۲۰۶	۳/۷۱	۳/۲۷۷	۶/۲۷
۱۹۹۸	۸/۲۸۹	۶/۱۲۹	۴/۴۱۹	۱/۱۴۲
۱۹۹۹	۳/۴۰۰	۳/۱۹۰	۶/۵۹۰	۲/۱۷۱
۲۰۰۰	۳/۶۰۲	۶/۲۶۱	۹/۸۶۳	۳/۲۷۳
۲۰۰۱	۳/۷۳۷	۶/۳۴۹	۹/۱۰۸۶	۲۲۳
۲۰۰۲	۴/۴۴۱	۷/۲۱۸	۱/۶۵۹	

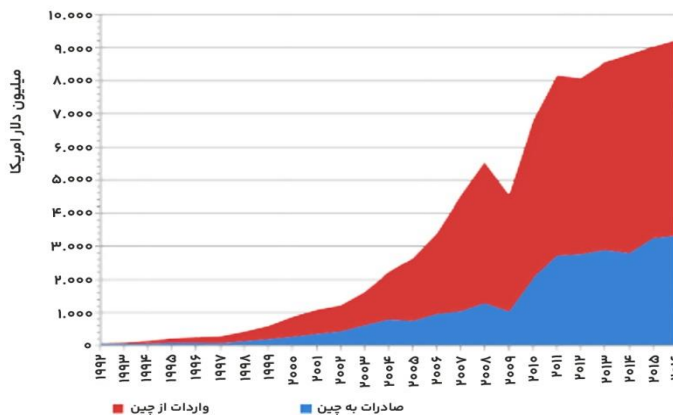
منبع: (شبستری بادامچی، ۱۳۹۳).

در دهه نخست سال ۲۰۰۰، کمپانی‌های چینی در پروژه‌های ساخت زیر ساخت‌ها در رژیم صهیونیستی ورود یافتند که شامل دو بندر رژیم صهیونیستی در سواحل مدیترانه، بخش‌هایی از طرح‌های نیروی دریایی رژیم صهیونیستی تحت عنوان راه آهن روشنایی تل‌آویو، گودبرداری و تخلیه تونل‌های کارمل ۲۹ در حیفا، تخلیه تونل‌ها در طرح "آک کو کارمیل راه آهن" ^۱ و طرحی که هنوز به تصویب نرسیده موسوم به "راه آهن ایات-آشدود" و یا معروف به "راه آهن قزمز-مدیترانه" ^۲ است (Efron and others, 2019:6).

در ۲۰۰۸، چین قرارداد همکاری و استفاده از تجهیزات رژیم صهیونیستی شامل ایستگاه فضایی "اچ کا وان" ^۳ و دو ماهواره برای پوشش دادن بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ را منعقد ساخت (Shai, 2014:77).

در ۲۰۱۵، علی‌رغم مخالفت‌های واشنگتن، رژیم صهیونیستی یکی از سرمایه‌گذاران بانک سرمایه‌گذاری زیر ساخت آسیایی ^۴ با منشاء چین، شد. در روابط میان دو کشور، افزایش سطح همکاری‌ها، به تقویت سایر حوزه‌های همکاری نیز منجر شده است. چین به سومین شریک تجاری رژیم صهیونیستی پس از آمریکا و اتحادیه اروپا، با ۱۱ میلیارد دلار تبادل تجاری در ۲۰۱۷ تبدیل شده است (Efron and others, 2019:3).

نمودار شماره ۱: روند رشد مناسبات تجاری چین و رژیم صهیونیستی ۱۹۹۲-۲۰۱۶



منبع (شیخ الاسلامی و همکار، ۱۳۹۸: ۱۰۷).

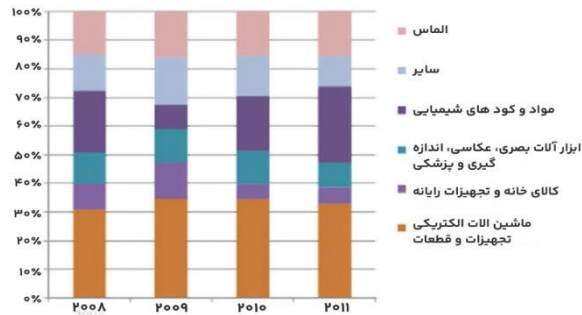
۱. Akko-Karmiel train line

۲. "Red-Med railway."

۳. HK1

۴. Asian Infrastructure Investment Bank

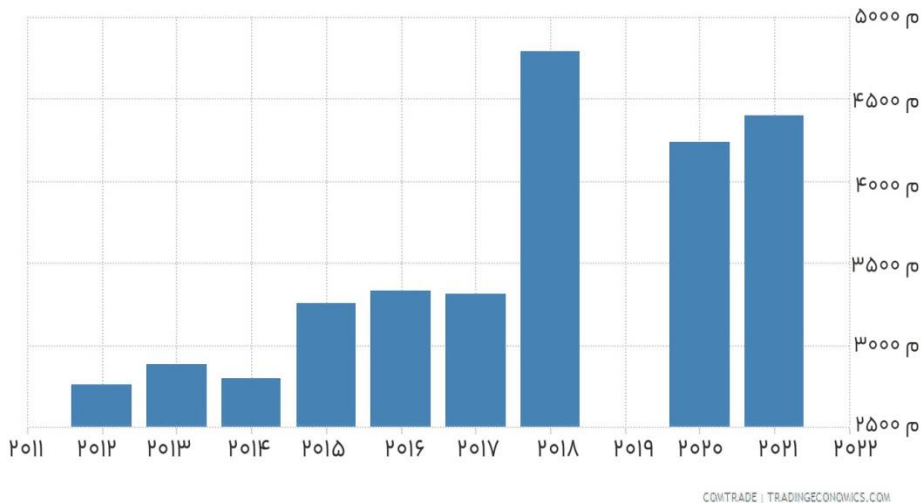
نمودار شماره ۲: میزان صادرات رژیم صهیونیستی به چین ۲۰۰۸-۲۰۱۱



منبع: The Central Bureau of Statistics, 2008-2011

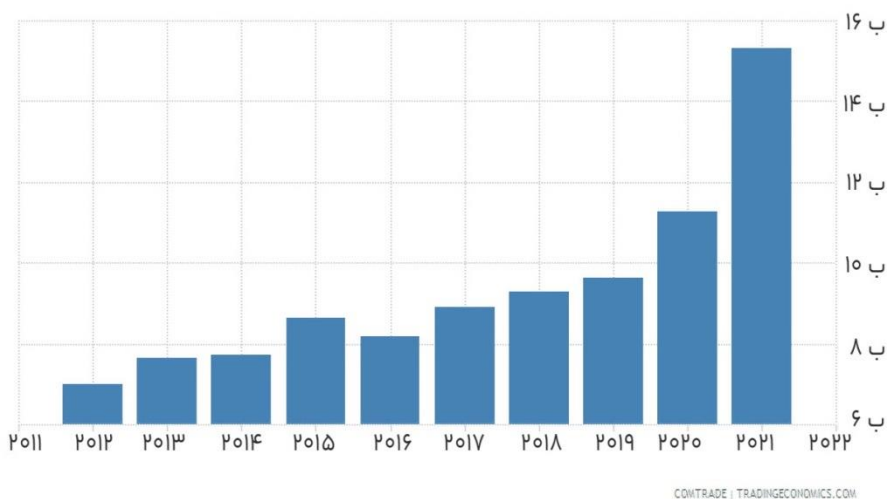
بر اساس آمار میزان صادرات رژیم صهیونیستی به چین در ۲۰۱۸ در مقایسه با سایر سال‌ها بیشتر بوده است.

نمودار شماره ۳: صادرات رژیم صهیونیستی به چین (۲۰۱۱-۲۰۲۲)^۱



منبع: <https://d3fy651gv2fhd3.cloudfront.net/charts/israel-exports-china>

^۱ . میلیون دلار آمریکا

نمودار شماره ۴: صادرات چین به رژیم صهیونیستی (۲۰۱۱-۲۰۲۲)^۱

منبع: <https://d3fy651gv2fhd3.cloudfront.net/charts/china-exports-israel>

تجارت میان دو کشور در ۲۰۱۸ به رقم تقریبی ۱۴ میلیارد دلار در مقایسه با ۱۰.۹ میلیارد در ۲۰۱۴ و ۵۰ میلیون دلار در ۱۹۹۲ می‌رسد (Vuksanovic, 2020: 7).

در چارچوب طرح کلان "ابتکار کمربند و جاده" (BRI)^۲ دولت چین دیپلماسی خود را بر پایه برقراری روابط با دول محوری و تأثیرگذار در این طرح تنظیم ساخته است و در همین راستا اولویت همکاری با رژیم صهیونیستی در حوزه فن‌آوری‌های ابتکاری و نوآورانه را مورد توجه قرار داده است. در مارس ۲۰۱۷، خلال سفر رسمی نتانیاهاو از پکن، رئیس‌جمهور چین "شی جین پینگ"^۳ از اراده پکن به همکاری همه جانبه نوآورانه^۴ با رژیم صهیونیستی خبر داد (Chaziza, 2022: 27). از منظر پکن، موقعیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی در جایگاهی است که پل اتصال اروپا و آسیا از یکسو و خاورمیانه و افریقا از سوی دیگر است. رژیم صهیونیستی توقف‌گاهی میان مسیر تجارت دریایی اقیانوس هند و مدیترانه از مجرای خلیج عقبه و کانال سوئز است (Chaziza, 2022: 28).

^۱. میلیارد دلار آمریکا

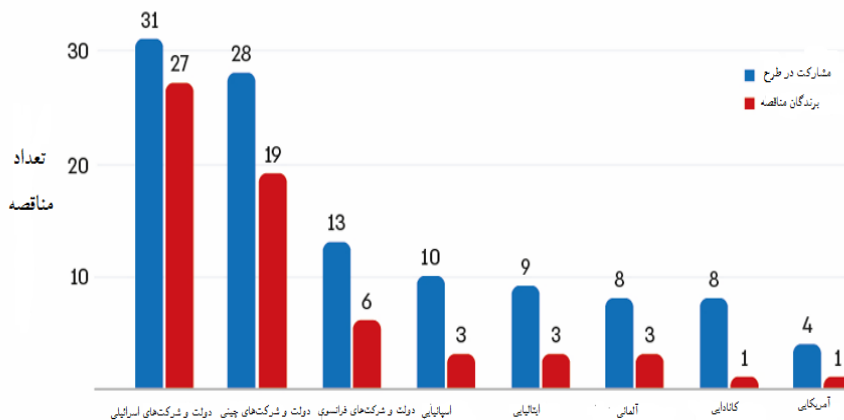
^۲. Belt and Road Initiative

^۳. Xi Jinping

^۴. Innovative Comprehensive Partnership

کمپانی‌های کشتیرانی چینی، دو طرح قرارداد ساخت تاسیسات دریایی را در رژیم صهیونیستی کسب کردند. طرح نخست از ژوئن ۲۰۱۴ شروع شد و شامل ساخت ترمینال بندر جنوبی در آشدود موسوم به "بندر هدارم"^۱ بود که در ۲۰۲۲ افتتاح شد. طرح دوم شامل ساخت یک ترمینال جدید در بندر حیفا با قرارداد (اجاره) لیز ۲۵ ساله بود که در ۲۰۲۱ باز شد (Chaziza, 2022: 29). گردشگری چین به رژیم صهیونیستی نیز به سرعت در حال رشد است. با توجه به اداره مرکزی آمار رژیم صهیونیستی، تعداد گردشگران از چین، با احتساب بازدیدکنندگان روزانه، در سال ۲۰۱۴، ۳۲۴۰۰ نفر بود. تا پایان سال ۲۰۱۷، این تعداد با احتساب بازدیدکنندگان روزانه به ۱۲۳۹۰۰ نفر یعنی ۴ برابر ظرف سه سال افزایش داشته است. در سال ۲۰۱۸ پروازهای روزانه از رژیم صهیونیستی به چهار شهر بزرگ چین انجام می‌گرفت و برنامه راه‌اندازی برای انجام پرواز روزانه به شهر پنجم هم در حال طراحی بود (Efron and others, 2019: xv). در خصوص مشارکت و اخذ مناقصه‌های عرضه شده در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی در رژیم صهیونیستی، دولت و شرکت‌های چینی در رتبه دوم پس از خود دولت رژیم صهیونیستی قرار دارد و سایر کشورها مانند فرانسه، ایتالیا، آلمان و حتی آمریکا در رتبه‌های پس از چین قرار دارند.

نمودار شماره ۵: تعداد مشارکت و کسب (برنده) مناقصه در طرح‌های عمرانی و توسعه رژیم صهیونیستی توسط کشورهای مختلف



منبع: (Lavi, 2022:108)

¹. Hadarom Port

چالش‌های موجود در روابط چین و رژیم صهیونیستی

چالش‌های اصلی روابط چین و رژیم صهیونیستی شامل موارد ذیل است:

۱. مخالفت آمریکا نسبت به نزدیکی این روابط. اساساً آمریکا تمایل زیادی به گسترش روابط متحدان خود با چین ندارد. بنا به ارزیابی‌های آینده پژوهی، چین در آینده نه چندان دور رقیب اصلی اقتصادی، تجاری، امنیتی و نظامی آمریکا خواهد بود.
۲. اختلافات دو کشور در مسائل خاورمیانه به ویژه موضوع ایران. رژیم صهیونیستی ایران را دشمن اصلی خود در نظام بین‌الملل فعلی معرفی می‌کند و طبیعتاً مخالف هر گونه رابطه چین با ایران است که باعث تقویت توان اقتصادی و یا نظامی ایران گردد.
۳. سیاست چین در گسترش نفوذ در خاورمیانه. چین در حوزه خاورمیانه طرح "ابتکار کمربند و جاده" موسوم به "یک کمربند و یک جاده"^۱ را تعقیب می‌کند (Efron and others, 2019:5) و در این طرح، همکاری با مجموعه کشورهای منطقه بدون توجه به مواضع آن‌ها نسبت به رژیم صهیونیستی مورد توجه چین است.
۴. چهارم موضوع حق مالکیت معنوی (IPR)^۲ محصولات رژیم صهیونیستی است که رژیم صهیونیستی تمایل ندارد چینی‌ها بر پایه روش مهندسی معکوس تولیدات صنعتی و فن‌آورانه رژیم صهیونیستی را کپی کنند و در آینده به نام تولید چین به وفور در بازار صادرات جهانی عرضه کنند (Efron and others, 2019:8).
۵. چالش پنجم که چالشی اساسی است در زمینه روابط نظامی و حساسیت آمریکا در این حوزه است. به دنبال جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱)، پنتاگون اخباری در خصوص انتقال پنهانی فن‌آوری سکوهاى آنتی میسیل (ضد موشک) پاتریوت از رژیم صهیونیستی به چین را دریافت داشت. سکوهاى پاتریوت به منظور دفاع از حملات احتمالی موشکی رژیم بعث صدام حسین به رژیم صهیونیستی، در خاک رژیم صهیونیستی جاسازی شده بود. در ۱۹۹۷، نیویورک تایمز در گزارش خبری اعلام کرد که یک فروند جنگنده آمریکایی در منطقه ممنوعه پروازی عراق، به علت اصابت یک فروند موشک چینی PL-8 (ارتقاء یافته در رژیم صهیونیستی) که از سوی پکن در اختیار بغداد قرار داده شده است، ساقط گردیده است (شبه‌ستری بادامچی، ۱۳۹۳).

1. "One Belt One Road"

2. Intellectual property rights

در گزارش معروف "کریستوفر کاکس"^۱ نماینده جمهوری خواه آمریکا در مه ۱۹۹۹، بیان شده بود که در سال‌های اخیر، همکاری‌های چین-رژیم صهیونیستی در زمینه نظامی و امنیتی گسترش یافته و تل‌آویو کمک‌های فنی زیادی را در طراحی و ساخت جنگنده چینی اف ۱۰^۲ که مشابه جنگنده رژیم صهیونیستی "لاوی"^۳ است، در اختیار پکن قرار داده است. نگرانی دیگر واشنگتن از همکاری نظامی پکن - تل‌آویو، موضوع انتقال فن‌آوری نظامی لیزری به چین است. در ۱۹۹۹، واشنگتن تایمز با تکیه بر گزارش آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا اعلام کرد که رژیم صهیونیستی با چین در حال تولید مشترک سلاح‌های لیزری جنگی^۴ است در حالی که برنامه مشترک رژیم صهیونیستی-آمریکا در خصوص طرح مشابه در مراحل اجراء بوده است (شبستری بادامچی، ۱۳۹۳). به دنبال درگیر شدن هواپیمای جاسوسی آمریکایی "ای پی-تری ای"^۵ با دو جنگنده اف ۱۰ چینی در سواحل چین در اول آوریل ۲۰۰۰ که منجر به سقوط یکی از جنگنده‌های چینی و فرود اجباری هواپیمای آمریکایی در فرودگاه نظامی استان جنوبی هاین چین گردید، عکس‌ها از جنگنده‌های چینی نشانگر حمل موشک‌های هوا به هوا "ریتون"^۶ رژیم صهیونیستی بود (شبستری بادامچی، ۱۳۹۳).

برجسته‌ترین قرارداد نظامی پکن و تل‌آویو در ۱۹۹۶، به صورت محرمانه انعقاد یافت. مفاد قرارداد در مارس ۱۹۹۸ در زمان بازدید رئیس‌جمهور وقت رژیم صهیونیستی از طرح‌های نیروی هوایی رژیم صهیونیستی در شهر «لد» و توسط رئیس هیأت مدیره صنایع نیروی هوایی رژیم صهیونیستی، با حضور خبرنگاران با کلمه مستعار "رینگ"^۷ آشکار شد. علنی شدن امضاء قرارداد مزبور، باعث واکنش جدی دولت آمریکا شد و خواستار توقف اجرای توافقات مزبور از سوی تل‌آویو گردید. بر اساس توافق مزبور، تل‌آویو تعهد تجهیز حداقل یک فروند (سخن از ۵ الی ۸ فروند نیز مطرح بوده است) هواپیمای خریداری شده ایلوشین ۷۶ از روسیه به سیستم راداری پیشرفته جاسوسی و هشدار دهنده فالکون توسط شرکت رژیم صهیونیستی التا را به پکن داده بود که هزینه نصب سیستم مزبور بر روی هر هواپیما (که آن‌ها را در ردیف آواکس قرار می‌داد)، ۲۵۰ میلیون دلار برآورد شده بود (شبستری بادامچی، ۱۳۹۳).

1. Christopher Cox

2. F10

3. IAI Lavi (Hebrew: לביא, "Young Lion")

4. Battle Field Laser Gun

5. EP-3E

6. Rython

7. Ring

در ماه جولای سال ۲۰۰۰، بحرانی جدی میان چین و رژیم صهیونیستی آشکار شد. در سال مذکور، رژیم صهیونیستی قرارداد فروش سیستم راداری فالکون را که با چین به امضا رسانده بود، به علت فشارهای بی وقفه ایالات متحده ملغی کرد و به خواسته آمریکا تن داد. طبق این قرارداد که در سال ۱۹۹۶ امضا شده بود، قرار بود رژیم صهیونیستی، چین را به سیستم فالکون^۱ با "هشدار دهنده زود هنگام"^۲ و سیستم کنترل که توسط یکی از زیر مجموعه‌های صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی با نام التا توسعه داده شده و بر روی هواپیمای روسی بر "یو اف ای ۵۰"^۳ سوار شده بود مجهز کند (Shichor, 2005). اولین درخواست رسمی ایالات متحده برای لغو این قرارداد در سال ۱۹۹۹ و پس از آن که هواپیمای یو اف ای ۵۰ از روسیه وارد رژیم صهیونیستی شد مطرح شد. ادعای آمریکا این بود که تجهیز چین به سیستم فالکون، تعادل راهبردی در تنگه تایوان را به سود چین تغییر می‌دهد و منجر به این خواهد شد که در صورت بروز درگیری احتمالی در این منطقه، تلفات نیروهای آمریکایی افزایش می‌یابد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۴). واشنگتن با اشاره به کمک‌های قابل توجه‌اش به رژیم صهیونیستی در طول سال‌های متعددی، از رژیم صهیونیستی خواست که سیستم مزبور را تسلیم چین نکند (Evron, 2013). رژیم صهیونیستی نهایتاً هم مجبور شد خسارت مالی ناشی از لغو قرارداد را به رقم ۱۹ میلیون دلار به چین بپردازد (Shai, 2009: 27).

بحران دیگر در سال ۲۰۱۵ و در پی توافق رژیم صهیونیستی و چین برای ارتقاء و تعمیر هواپیماهای جنگنده بدون سرنشین صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی که اواخر دهه ۱۹۹۰ به چین فروخته شده بود به وجود آمد. این بحران بزرگتر از بحران سال ۲۰۰۰ بود؛ از آن جهت که ایالات متحده از رژیم صهیونیستی خواست تا هواپیماهای بدون سرنشین منتقل شده به رژیم صهیونیستی را به چین باز پس ندهد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۴). همچنین واشنگتن رژیم صهیونیستی را به تلاش برای فریب آمریکا متهم کرد. این ادعا مطرح می‌شد که رژیم صهیونیستی برخلاف گفته مقامات وزارت دفاع خود، به بهانه تعمیر هواپیماهای بدون سرنشین چین، به ارتقای آن‌ها پرداخته است.

از جمله موارد دیگری که باعث نگرانی‌های سیاسی بالقوه آمریکا شده است، سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی است. به‌عنوان مثال، یک شرکت دولتی چینی موفق به کسب یک قرارداد ۲۵ ساله برای تاسیس یک ترمینال کانترینری جدید در بندر حیفا شده بود که

۱. فالکون، بر پایه راداری با آنتن‌های فزیندی شده که شامل سیستم‌های الکترونیکی پیشرفته است ساخته شده بود و علاوه بر هشدار زود هنگام، وظیفه بررسی و دیدبانی اهداف هوایی و زمینی و همچنین جمع‌آوری سیگنال‌های نظامی را بر عهده داشت.

۲. Phalcon Airborne Early Warning (AEW)

۳. UFI 50

در ۲۰۲۱ آغاز می‌شد. اگرچه این ممکن است از نظر اقتصادی برای رژیم صهیونیستی مفید بوده باشد، ولی پروژه در کنار بندری اجراء می‌شود که دارای اهمیت استراتژیک برای آمریکا است. حیفا یک بندر تردد مکرر ناوگان ششم ایالات متحده و به عنوان بندر پایگاه زیردریایی‌های رژیم صهیونیستی، لحاظ می‌شود. فعالیت یک شرکت چینی در این منطقه، ریسک کنترل اقدامات ارتش آمریکا و فعالیت‌های زیر دریایی رژیم صهیونیستی از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی چین را افزایش می‌دهد (Efron and others, 2019:xvii).

نتیجه‌گیری

روابط دو کشور چین و رژیم صهیونیستی از فراز و نشیب‌های متعدد برخوردار بوده است. با تغییر رویکرد سیاست خارجی چین از ۱۹۷۹، پکن و تل‌آویو به تدریج سیاست نزدیکی و همکاری را ابتداء در خفاء و سپس از ۱۹۹۲ به صورت رسمی دنبال کردند. این روابط در حوزه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی و نظامی گسترش داشته است. رژیم صهیونیستی برای ایجاد روابط سیاسی و دیپلماتیک با پکن اهداف متنوعی را دارد که شامل ارتقاء موقعیت و اعتبار بین‌المللی رژیم صهیونیستی، تأثیر گذاشتن بر مواضع و دیدگاه‌های خاورمیانه‌ای چین، حضور در بازار بزرگ نظامی و اقتصادی پرجمعیت‌ترین کشور جهان، فشار در راستای کاهش، و یا توقف همکاری‌های نظامی تهران-پکن و همچنین سوق دادن چین به تلاش برای کاهش همکاری‌های کره شمالی-ایران، ارتقاء جایگاه جامعه یهودیان چینی به ویژه در شانگهای، استفاده از اهرم روابط با چین در روابط تل‌آویو - واشنگتن در راستای جذب بیشتر حمایت‌های آمریکا می‌گردد.

چین نیز از تعاملات با رژیم صهیونیستی اهدافی را دنبال می‌کند که شامل ارتقاء سیاست خاورمیانه‌ای چین و کمک به حل بحران فلسطین، تلاش در مسیر قطع و یا کاهش روابط سیاسی تایوان-رژیم صهیونیستی، کسب فن‌آوری‌های پیشرفته غربی در صنایع نظامی و کشاورزی از مجرای رژیم صهیونیستی، بهره‌برداری از لابی صهیونیست‌ها در بهبود روابط پکن - واشنگتن، تقویت همکاری‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی و جلوگیری از گسترش ارتباط "دالایی لاما"، رهبر جدایی‌طلبان تبت با رژیم صهیونیستی می‌شود. در واقع نگرش پکن در برقراری روابط با تل‌آویو شامل کسب تجربه در سیاست‌های ابتکاری و نوآورانه و توسعه، تلاش برای بهره‌گرفتن از تجربیات و فن‌آوری رژیم صهیونیستی در حوزه مسائل امنیتی، دفاعی و مدرن‌سازی نظامی و برنامه‌های سایبری، استفاده از ظرفیت رژیم صهیونیستی برای ایفای نقش و ایجاد موازنه در خاورمیانه در

راستای منافع چین، و استفاده از رژیم صهیونیستی برای عملیاتی‌سازی طرح " ابتکار کمربند و جاده " می‌شود.

در این تحقیق مشخص شد که روابط پکن و تل‌آویو در چارچوب نظریه وابستگی متقابل قابل تبیین است از سوی دیگر و در مجموع با توجه سطح گسترده روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی چین با رژیم صهیونیستی به نظر نمی‌رسد که در شرایط بروز جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی، دولت چین به نفع ایران با رژیم صهیونیستی قطع رابطه کند و به ایران در معادلات این نبرد کمک موثری کند. چالش‌های موجود در روابط آن‌ها در سطحی نیست که باعث قطع و یا کاهش روابط دو کشور شود. فراموش نکنیم که پکن سرمایه‌گذاری‌های زیادی را در حیفاء و سایر نقاط رژیم صهیونیستی انجام داده است و تهاجمات احتمالی ایران علیه تاسیسات رژیم صهیونیستی که سرمایه چینی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در آن‌ها مشارکت داشته است مطلوب چین نخواهد بود. ضمن اینکه افزایش قیمت نفت در شرایط جنگ مستقیم ایران و رژیم صهیونیستی ابدأً به نفع اقتصاد و شرکت‌های چینی نیست.

منابع و مأخذ

فارسی

- سیفی، عبدالمجید و محمد نیا مهدی (۱۴۰۱) "وابستگی متقابل پیچیده: چارچوبی برای تحلیل روابط هند و ایالات متحده" *سیاست خارجی*، سال ۳۶، ش ۳، پائیز ۱۴۰۱: ۲۰۳-۲۲۳.
- شبستری بادامچی، سعید (۱۳۹۳) *نگاهی به روابط چین و رژیم صهیونیستی به مناسبت دهمین سالگرد برقراری روابط*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شیخ الاسلامی، محمدحسن، سلامی زواره، مهدی، فلاحی برزکی، مهرداد (۱۳۹۸) "اهمیت و جایگاه فناوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال رژیم صهیونیستی"، *پژوهشنامه روابط بین‌الملل* شماره ۹۳: ۴۸-۱۲۸.
- محمودی کیا، محمد (۱۳۹۸) "سیاست خاورمیانه‌ای چین در پرتو نظم نوین جهانی" *فصلنامه سیاست خارجی*، پاییز ۹۸، شماره ۳: ۱۰۷-۱۳۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸) *تحول در نظریه های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت: ۱-۳۸۸.
- وحیدی راد، میکائیل (۱۳۹۲) "نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران"، *خردنامه*، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۲: ۹۹-۱۱۱.

انگلیسی:

- Chaziza, Mordechai (2022) "Israel-China Relations in an Era of Strategic Rivalry and Great Power Competition", **Strategic Assessment** ,Volume 25,No.2, July 2022:24-37.
- Cooper, Richard N,(1972), Economic Interdependence and Foreign Policy in the Seventies,**World Politics**,vol. 24, July 1972:159-181, <https://doi.org/10.2307/2009735>.
- Efron, Shira, Howard J. Shatz, Arthur Chan, Emily Haskel, Lyle J. Morris, Andrew Scobell(2019), "The Evolving Israel-China Relationship", **RAND Corporation**,Santa Monica,2019 :1-223.
- Genest, Marc A. (2004), Conflict and Cooperation: Evolving Theories of International Relations, CA: Thomson/Wadsworth, Belmont, CA,2004 <https://www.worldcat.org/title/conflict-and-cooperation-evolving-theories-of-international-relations/oclc/57393696>
- Gill, Bates and Kim, Taeho (1995) "China's Arms Acquisitions from Abroad, A Quest for Superb and Secret Weapons", **Stockholm International Peace Research Institute, SIPRI** Research Report No. 11, Oxford University Press Inc., New York :1-158.
- Jewish Virtual library,(2021) "Israel's International Relations: Israel-China Relations",<https://www.jewishvirtuallibrary.org/israel-china-relations#Military> (Accessed on 24th Dec.2021)
- Keohane ,Robert O. and Nye, Joseph S(1987), Power and Interdependence revisited, **International Organisation**, 41(4),(autumn 1987) :725-753 <https://www.jstor.org/stable/2706764>
- Keohane, Robert O., and Nye, Joseph S.(1977), **Power and Interdependence: World Politics in Transition**, Boston: Little, Brown & CO. <https://www.jstor.org/stable/2149069>
- Lavi, Galia (2022) "China and National Infrastructure in Israel: Past the Peak," **Strategic Assessment** 25, no. 2 (2022): p. 108, <http://bitly.ws/yPEt>.
- Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China, At:https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/gjhdq_665435/2675_665437/2828_663646/ (accessed on 15th Jan.2020)
- Orion, Assaf and Lavi, Galia (2019), "Israel-China Relations: Opportunities and Challenges, **Tel Aviv: Institute for National Security Studies**, August 2019
- Pollack, Jonathan and Sachs, Natan (2014) "China, Israel and THE United States""Proceedings from the U.S.-China-Israel Trilateral Conference"**Foreign Policy at Brookings**. Feb.2014 :1-12
- Shai, Aron (2014) "China and Israel Relations and Future Prospects" **ASPJ Africa & Francophonie** 2nd Quarter 2014:66-86 http://www.au.af.mil/au/afri/aspj/apjinternational/aspj_f/Index.asp(accessed on 15th Jan.2021)
- Shai ,Aron (2009) "Sino-Israeli Relations: Current Reality and Future Prospects", Memorandum No. 100 September 2009, **Institute for National Security Studies**: 1-66 [https://www.files.ethz.ch/isn/108830/\(FILE\)_1255339864.pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/108830/(FILE)_1255339864.pdf)(accessed on 15th Jan.2020.)
- The Central Bureau of Statistics (CBS) (2008-2011), https://www.cbs.gov.il/en/About/Pages/aboutcbs_e.aspx
- <https://www.cbs.gov.il/he/DocLib/presentations/foreign%20trade%202011%20USD.pdf>
- https://www.cbs.gov.il/he/DocLib/presentations/16_21_014maz_usd.pdf

- Tollison ,Robert D and Willett ,Thomas D., (1973), "International Integration and the Interdependence of economic Variables," **International Organization**, xxvii (Spring 1973), 7 : 255-271 <https://www.jstor.org/stable/2706099>.
- Vuksanovic, Vuk (2020) "Axis of Convenience? Israel and China in a multipolar world" **LSE IDEAS**, Strategic Update, February 2020 1-16.
- Waltz, Kenneth (1986), Reflections on Theory of International Politics: A Response to My Critics, in Robert Keohane, ed., **Neorealism and its Critics**, New York: Columbia University Press.
- Waltz, Kenneth N. (1970)," The Myth of National Interdependence, In Charles P.
- Kindelberger (Ed) **The international Corporation**, 1970. Chapter 8. (Cambridge, Mass, The M.I.T. Press, 1970): 205–26
- Xiao, Xian (2016). "The "Belt and Road Initiative" and China-Israeli Relations." **Journal of Middle Eastern and Islamic Studies** (in Asia),[http:// doi.10.1080 /19370679.2016.12023285](http://doi.10.1080/19370679.2016.12023285).
- Yellinek, Roie (2022) "China's media strategy towards Israel" **Israel Affairs**, **Volume** 28, 2022, Issue 2, Pages 184-198 Published online:16 Feb 2022 <https://doi.org/10.1080/13537121.2022.2041308>